

پابندِ خانواده

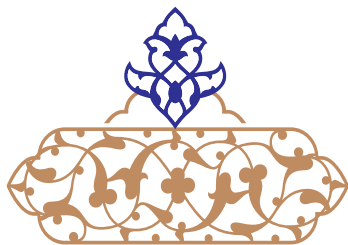
تحلیل و بررسی فقهی، حقوقی و جامعه‌شناختی مصوبه
«اصلاح موادی از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و برخی احکام راجع به مهریه»



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پابند خانواده

تحلیل و بررسی فقهی، حقوقی و جامعه‌شناختی مصوبه
«اصلاح موادی از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و
برخی احکام راجع به مهریه»



مرکز مطالعات راهبردی خبرگزاری تسنیم

عنوان:

یابند خانواده

تحلیل و بررسی فقهی، حقوقی و جامعه‌شناختی مصوبه

«اصلاح موادی از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و برخی احکام راجع به مهریه»

تاریخ انتشار:

مهر ۱۴۰۵



مقدمه

اول شهریورماه ۱۴۰۵ نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرحی را با عنوان «اصلاح موادی از قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی و برخی احکام راجع به مهریه» به تصویب رساندند که با واکنش های متعددی از سوی فعالان حوزه مسائل زنان روبرو شد.

از این رو و برای تبیین جوانب مصوبه مذکور، نشست تخصصی بررسی ابعاد جامعه شناختی، فقهی و حقوقی مصوبه اخیر مجلس شورای اسلامی در خصوص نحوه اجرای محکومیت های مالی و مسئله مهریه، با حضور **دکتر انسیه خزعلی** (معاون امور زنان و خانواده دولت سیزدهم)، **دکتر شهلا باقری** (استاد تمام جامعه شناسی دانشگاه خوارزمی) و **سمیه سادات حسنی حلم** (حقوق دان، کنشگر حوزه زنان و خانواده) در مرکز مطالعات راهبردی خبرگزاری تسنیم برگزار شد.



در این نشست، کارشناسان ضمن بررسی فرآیند تصویب این طرح، تبعات فقهی و حقوقی آن را بر کانون خانواده تشریح کردند.

۴ بی‌توجهی به نگاه نخبگانی و عدم همراهی فراکسیون زنان در تصویب طرح

• **سمیه سادات حسینی حلم:** موضوع مهریه و چالش‌های اجرای محکومیت‌های مالی مرتبط با آن، مسئله امروز و دیروز نیست. طی سال‌های اخیر، هر دو طرف پرونده‌های خانواده با مشکلات جدی روبه‌رو بوده‌اند؛ از یک سو مردانی که تعهدات مالی سنگینی را پذیرفته‌اند و در پرداخت آن ناتوانند و از سوی دیگر زنانی که طرف مقابل پس از تعهد آگاهانه، از انجام آن شانه خالی می‌کند و روند دادرسی به گونه‌ای است که دست زنان از حقوق شرعی و قانونی‌شان کوتاه می‌ماند. طرح اخیر مجلس که در کمیسیون قضایی تدوین و تصویب شد، متأسفانه بدون همفکری با فراکسیون زنان و عدم جلب نظر اکثریت نمایندگان زن و همچنین بدون استمراج از نخبگان حوزه خانواده به صحن آمد. تصویب شتاب‌زده دو ماده باقی‌مانده از این طرح پس از تعطیلات مجلس نیز موجی از انتقاد را میان کارشناسان برانگیخت. سؤال کلیدی این است که آیا در فرآیند تدوین این طرح، نظرخواهی جامعی از صاحب‌نظران و مسئولان حوزه زنان صورت گرفته است؟

۴ عدم نظرخواهی کمیسیون قضایی از فعالان و مسئولان حوزه زنان

• **دکتر انسیه خزعلی:** متأسفانه از ما و بسیاری دیگر از فعالان و پژوهشگرانی که سال‌ها به صورت مستقیم با مسائل و پرونده‌های مهریه در ارتباط بوده‌اند، نظرخواهی نشد.

شایسته بود کمیسیون قضایی با اتکا به داده‌های آماری و آسیب‌شناسی‌های موجود، از راهکارهای کارشناسی و ظرفیت‌های فقهی استفاده می‌کرد. ایرادات جدی به این مصوبه وارد است که بخشی از آن‌ها مستقیماً با آرا و فتاوی‌ مشهور فقها و حتی نص صریح قرآن کریم مغایرت دارد. وقتی طرحی در کمیسیونی تماماً مردانه تصویب می‌شود و در مقابل، اکثریت نزدیک به مطلق فراکسیون زنان مجلس با آن به دلیل مغایرت با مصالح خانواده و حقوق زوجه مخالفت می‌کنند، شائبه تعارض منافع و نگاه تک‌بعدی در قانون‌گذاری تقویت می‌شود.

❧ منظومه حقوق مالی زن در اسلام و ضرورت حفظ توازن آن

• **دکتر انسیه خزعلی:** پیش از ورود به جزئیات تبصره‌ها، باید جایگاه مهریه را در منظومه حقوق مالی خانواده از منظر قرآن و سنت بازبیناسیم.

قوانین مالی اسلام در حوزه خانواده، یک منظومه به هم پیوسته و متوازن است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ»؛ بر اساس این اصل، حقوق و تکالیفی برای زن و مرد قرار داده شده که اجرای هم‌زمان آن‌ها عدالت و توازن را در کانون خانواده برقرار می‌سازد. برجسته کردن یک بخش و نادیده گرفتن بخش دیگر، توازن خانواده را برهم می‌زند.

در احکام اسلامی، حمایت‌های مالی ویژه‌ای از زن پیش‌بینی شده است. قرآن کریم از عقد نکاح به عنوان «مِثْقَاً غَلِيظًا» (پیمانی محکم) یاد می‌کند و بارها بر پرداخت کامل مهریه تأکید می‌ورزد. قرآن حتی نحله (هدیه دادن) را علامت صدق و مودت مرد می‌داند و مؤکداً مجازات یا فشار بر زن برای بخشیدن مهرش را نهی کرده است (اَتَاخُذُوْنَهُ بُهْتَانًا وَاِنْ اَمَّا مُبِيْنًا) همچنین اشاره شده که حتی اگر میزان مهریه «قطار» (مال کثیر) باشد، مرد موظف به پرداخت آن است.

کسانی که منتقد تفاوت ارث یا برخی حقوق مالی هستند، از این حجم از پشتیبانی‌های مالی بی‌حد و حصر اسلام از زن - نظیر نفقه، اجرت‌المثل، حق شیردهی و مهریه - غافل می‌شوند. این حقوق اقتصادی برای ارج‌گذاری به مقام زن و ایجاد پشتوانه برای اوست.

❧ تقلیل مفهوم اخلاقی و فقهی مهریه به یک ابزار حقوقی و قهرآمیز

• **دکتر انسیه خزعلی:** مهریه در ادبیات قرآنی با واژگانی چون «صَدَقَات»، «نحله» و نمادی از صداقت، محبت و استوارسازی پیوند زناشویی تعریف شده است. متأسفانه ما این مفهوم اخلاقی و محبت‌آفرین را به یک ابزار کاملاً حقوقی و خشک تبدیل کرده‌ایم. اگرچه اسلام برای شرایط اختلاف نیز قواعد دقیق حقوقی دارد، اما روح حاکم بر خانواده باید «وَعَاشِرُوْهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» باشد.

اشتباه نخست در سیاست‌گذاری‌های گذشته، ورود ابزار حبس به دیون مهریه و هم‌تراز دانستن آن با سایر محکومیت‌های مالی بود. خطای بزرگ‌تر در مصوبه فعلی، تبدیل حکم حبس به «پابند الکترونیکی» است. زندگی خانوادگی که زن،

مرکز مطالعات راهبردی تسنیم [۵]

همسرش را حبس کند یا مرد با پابند الکترونیکی در خانه حضور داشته باشد، دیگر کانون مودت و رحمت نخواهد بود.

مهریه، دینی است که مرد با برخورداری از بلوغ، عقل و سلامت کامل اراده، تعهد کرده است. قرار دادن چنین تعهد آگاهانه‌ای در کنار دیون غیر عمد، خسارات ناشی از تصادفات یا ورشکستگی‌های مالی ناشی از حوادث غیر قابل پیش بینی، از نظر منطق حقوقی و فقهی کاملاً نادرست است و نباید در یک ظرف قانونی برای آن‌ها تعیین تکلیف کرد.

۴ ضرورت استفاده از تجربه زیستی زنان و متخصصان در سیاست‌گذاری‌های خانواده

• **دکتر شهلا باقری:** وقتی موضوعی مستقیماً به حوزه زنان و خانواده مربوط می‌شود، نمی‌توان تجربه زیستی زنان و نحوه معنایابی آن‌ها از زندگی زناشویی را نادیده گرفت.

تفاوت‌های بنیادین میان زیست زنانه و مردانه وجود دارد که باید در قوانین منعکس شود. اگر در طراحی این مصوبه حتی بنا بر عدم دعوت مستقیم از خانم‌های صاحب‌نظر بود، دست‌کم باید از پژوهش‌ها و تحقیقات جامع جامعه‌شناختی و حوزه زنان که توسط متخصصان انجام شده است، به‌عنوان پشتیبان علمی طرح استفاده می‌شد.

۴ مغایرت طرح جدید با «سیاست‌های کلی خانواده» ابلاغی مقام معظم رهبری

• **دکتر شهلا باقری:** یکی از نکات اساسی، میزان انطباق این طرح با «سیاست‌های کلی خانواده» ابلاغی مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۵ (و پیگیری‌های متمم آن در سال ۱۳۹۸) است. این سیاست‌ها به‌عنوان بالاترین سند بالادستی در حوزه خانواده، صریحاً تمام دستگاه‌ها را موظف می‌کند که «خانواده محوری» را در سرلوحه تمامی قوانین، طرح‌ها و برنامه‌های آموزشی، پژوهشی، قضایی و حقوقی قرار دهند و برای تمام اقدامات، پیوست خانواده تعریف کنند. هرچند طراحان این طرح با حسن نیت و به هدف کاهش آمار زندانیان و

استحکام بنیان خانواده وارد شده‌اند، اما سؤال اصلی این است که آیا برای طرحی با این درجه از اهمیت، پیوست خانواده محوری مبتنی بر تحقیقات علمی تهیه شده است یا خیر؟

❖ نقد نگاه تجزیه طلبانه به حقوق خانواده و لزوم نگاه سیستمی

• **دکتر شهلا باقری:** «خانواده محوری» در سیاست‌های کلی به معنای یک کل‌نگری و توجه به برآیند نهایی قوانین بر استحکام خانواده است؛ نه اینکه یک جزء را از کل سیستم جدا کرده، در آن مداخله کنیم و بدون تنظیم مجدد روابط و مناسبات سایر اجزا، آن را به سیستم بازگردانیم. درست مانند اینکه در یک دستگاه، قطعه‌ای آسیب دیده را بدون سنجش تأثیر آن بر سایر قطعات دستکاری کنیم.

در مصوبه جدید، تضمین‌های بار مالی حقوق زنان به وضوح تضعیف شده، بدون آنکه توازن حقوقی دیگری برای زن جایگزین شود. تمرکز صرف بر ابعاد مالی و اقتصادی، فارغ از درهم تنیدگی آن با نظام‌های اجتماعی و فرهنگی، نشان دهنده فقدان نگاه سیستمی است.

همچنین درباره جایگزینی حبس با «پابند الکترونیکی»، باید گفت اگرچه هدف جلوگیری از به تباهی کشیده شدن مرد در زندان بوده، اما تجسم مردی که با پابند الکترونیکی در خانه و در حضور همسر و فرزندان تحت نظارت است، هویت، منزلت و منش فردی و اجتماعی او را به شکلی مداوم تخریب می‌کند. اثرات روانی و بازخوردهای مخرب این روش بر محیط خانه در کجا مطالعه و سنجیده شده است؟

❖ حقوق و تکالیف خانواده؛ منظومه‌ای تجزیه ناپذیر

• **دکتر شهلا باقری:** اصلاحات گسسته و جزئی بدون در نظر گرفتن توازن کل سیستم، پایداری قانون خانواده را به خطر می‌اندازد و هرگونه دستکاری در بخشی از حقوق یا تکالیف زوجین، باید در قالب یک بسته جامع و با نگاهی سیستمی بازنگری شود.

۴ لزوم گفتمان سازی و زمینه سازی فرهنگی پیش از قانون گذاری

• **دکتر شهلا باقری:** بر اساس «سیاست های کلی خانواده»، قانون گذاری حقوقی الزاماً باید با اقدامات و زیرساخت های فرهنگی همراه باشد. وقتی قانونی بدون بسترسازی و ایجاد گفتمان فرهنگی تصویب می شود، پشتیبانی افکار عمومی را از دست می دهد و در درازمدت ضمانت اجرای خود را از نیل به اهداف پیش بینی شده از دست خواهد داد. بنابراین، گفتمان سازی و آگاهی بخشی فرهنگی باید هم زمان با قانون گذاری یا حتی مقدم بر آن دنبال شود.

یکی دیگر از اشکالات اساسی این مصوبه، واگذاری بار اثبات تمکن مالی مرد به زن است. در شرایط کنونی، زوجه مجبور است برای اثبات دارایی های زوج، راهروهای دادگاه ها و ادارات مختلف را طی کند که فرایندی بسیار دشوار و فرسایشی است.



سمیه سادات حسنی حلم؛ وکیل و کنشگر مسائل زنان و خانواده

• **سمیه سادات حسنی حلم:** در حال حاضر نیز همین رویه دشوار حاکم است. زن در طول زندگی مشترک دائماً باید مراقب و مطلع باشد که همسرش چه اموالی دارد، کجا نگهداری می کند و آیا به نام دیگری ثبت کرده است یا خیر. این سازوکار، به جای تقویت حسن نیت و اعتماد، روابط زوجین را به یک رابطه پلیسی و امنیتی تبدیل می کند.

• **دکتر شهلا باقری:** اثبات تمکن مالی برای خود زوج به مراتب آسان تر از زوجه

است. قانون‌گذار می‌تواند زوج را مکلف کند سالانه وضعیت اموال و دارایی‌های خود را در سامانه‌های رسمی (مانند سامانه اموال و دارایی‌ها) اعلام کند و در صورت خودداری یا کتمان، تمکن مالی او برای پرداخت مهریه مفروض گرفته شود. بار مالی و حقوقی نباید بردوش زن قرار گیرد.

۴. تقابل قانونی برای جمعیتی محدود در برابر جامعه ۴۵ میلیونی زوجین

• **سمیه سادات حسنی حلم:** یکی از شعارهای اصلی طراحان این طرح، «حبس زدایی» است. مطمئناً هیچ‌کس از زندانی شدن افراد خرسند نمی‌شود. اما بر اساس آمار رسمی ستاد دیه کشور، تعداد بدهکاران مهریه در طول سال بین ۲ تا ۳ هزار نفر متغیر بوده است. آیا منطقی است برای این تعداد محدود، قانونی تصویب شود که بر روان و امنیت خاطر جامعه عظیم بانوان تأثیر منفی بگذارد؟

• **دکتر انسیه خزعلی:** دقیقاً همین‌طور است. ما حدود ۴۵ میلیون زوج در کشور داریم و مجلس برای حداکثر ۲ تا ۳ هزار زندانی مهریه، چنین هزینه‌های روانی و حقوقی سنگینی به کل جامعه زنان وارد کرده است. بر اساس آمارهای موجود، مدت حبس بخش اعظم این افراد نیز بسیار کوتاه (بین دو هفته تا یک ماه) بوده است.

• **سمیه سادات حسنی حلم:** طبق اذعان کارشناسان، حدود ۸۰ درصد افرادی که بازداشت می‌شوند، پس از اِعمال اهرم فشار حبس، بلافاصله اقدام به پرداخت مهریه یا جلب رضایت می‌کنند و آزاد می‌شوند. یعنی حبس صرفاً ابزاری برای الزام افرادی است که توانایی مالی دارند اما از پرداخت حق قانونی همسر خودداری می‌کنند.

• **دکتر انسیه خزعلی:** آمار سال گذشته ستاد دیه نشان می‌دهد که از میان پرونده‌های مطروحه، حدود ۱۷۰۰ مورد با مطالبه اولیه مهریه پرداخت شده و اصلاً فرد به زندان نرفته است. حدود ۵۰۰ مورد نیز با پادرمیانی ستاد دیه به مصالحه و ادامه زندگی مشترک انجامیده است.

در مواردی هم که مرد قانوناً اعسار (عدم تمکن مالی) خود را اثبات کند، بر اساس قانون به زندان نمی‌رود؛ زیرا پذیرش اعسار مانع از حبس است. حبس تنها برای مواردی است که فرد با وجود تمکن مالی، از پرداخت مهریه استنکاف می‌ورزد. طبیعی است که برای فرد مستنکف باید ضمانت اجرای محکم وجود داشته باشد.

۴ ضرورت تفکیک مهریه از جرایم غیر عمد و خروج از قانون اجرای محکومیت‌های مالی

• **دکتر انسیه خزعلی:** ما با زندانی شدن افراد موافق نیستیم و می‌توان از روش‌های جایگزین مانند توقیف اموال استفاده کرد، اما قرارداد دادن مهریه در کنار «جرایم غیر عمد» (مانند تصادفات یا حوادث غیر مترقبه) کاملاً نادرست است. مهریه تعهدی ارادی، آگاهانه و با صحت عقل و بلوغ است؛ در حالی که جرایم غیر عمد ناشی از سهو و خطاست. مسئله مهریه و حقوق مالی خانواده باید کلاً از قانون اجرای محکومیت‌های مالی خارج شده و در قالب یک **لایحه جامع حقوق مالی خانواده** به صورت مستقل تدوین و بررسی شود.

۴ نگاه اسلام به مهریه: عینیت، توان مالی و نفی تعهدات موهوم

• **دکتر انسیه خزعلی:** یکی از قواعد اسلامی در مسئله مهریه، تناسب آن با تمکن مالی مرد در زمان عقد است. در سیره پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع)، مهریه بر اساس اموال واقعی و نقد مرد تعیین می‌شد. برای نمونه، در ازدواج حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س)، پیامبر (ص) فرمودند داشته‌ات چیست؟ و با فروش زره حضرت علی (ع)، مهریه، جهیزیه و هزینه‌های ازدواج تأمین شد. تعیین مهریه‌های نسیه، موهوم و سنگین با سیره معصومین (ع) ناسازگار است. البته حاکمیت نمی‌تواند برای میزان مهریه سقف اجباری تعیین کند؛ چراکه از نظر فقهی، تعیین میزان مهر با توافق طرفین است (همان‌طور که در روایات آمده است که حاکم نمی‌تواند تعیین حد کند). اما می‌توان راهکارهایی قانونی برای عینی‌سازی مهریه اندیشید.

سیره بزرگانی چون حضرت امام خمینی (ره) نیز بر عینی بودن و واقعی بودن مهریه تأکید داشت. ایشان در صیغه‌های عقد، مهریه را بر پایه دارایی‌های ملموس

یا مقادیر معقول (مانند ۱۴ سکه یا بخشی از ملک) قرار می‌دادند. اگر بخواهیم مهریه از حالت موهوم خارج شود، باید «نقد بودن» یا «زمان‌بندی مشخص پرداخت» (مثلاً تقسیط واقعی و کوتاه‌مدت در ابتدای زندگی) در عقدنامه‌ها گنجانده شود تا فرد بر اساس توان واقعی خود تعهد ایجاد کند.



خانم دکتر انسبه خزعلی؛ معاون امور زنان و خانواده دولت سیزدهم

❖ عدم امکان تعیین سقف عدد مهریه و ضرورت سامان‌دهی شکلی آن

• **دکتر انسبه خزعلی:** حاکمیت منطقاً نمی‌تواند برای رقم مهریه سقف عددی معین کند، اما می‌تواند ساختار و شکل تعهد را سامان بخشد. پذیرفتن تعهداتی با اعداد موهوم - مانند ۱۰۰۰ یا ۲۰۰۰ سکه - که فرد با سطح درآمد خود حتی در طول هزار سال توان پرداخت آن را ندارد، شرعاً و عقلاً غیرمنطقی است. قانون‌گذار می‌تواند ثبت مهریه را منوط به احراز تمکن مالی یا نحوه پرداخت شفاف کند؛ به این معنا که مشخص شود توان مالی واقعی فرد چیست یا نحوه پرداخت آن (نقد، قسطی یا عندالاستطاعه) چگونه تعیین شده است. وقتی شرایط پرداخت و عینیت مهریه در سند ازدواج شفاف باشد، نیازی به قوانین مداخله‌جویانه متعدد و پیچیده نخواهد بود.

۴ بررسی یک ادعا: آیا مهریه مانع اصلی ازدواج جوانان است؟

• **سمیه سادات حسنی حلم:** یکی از ادعاهای مکرر طراحان این طرح، تسهیل ازدواج جوانان و افزایش آمار زناشویی بوده است؛ ادعایی که بر فرضی مانع بودن مهریه در تصمیم آقایان استوار است.

نکته قابل توجه این است که در مصوبه جدید، اگرچه تا ۱۴ سکه تضمین‌های قبلی را دارد، اما برای مازاد بر آن، بار سنگین اثبات تمکن مالی زوج بر دوش زوجه نهاده شده است. قانون‌گذار عملاً نظام حمایتی قضایی را به نفع مدیون تغییر داده است؛ آن هم در حالی که فرد با صحت عقل، بلوغ و اختیار این تعهد مالی را پذیرفته است. آیا تقلیل تمایل به ازدواج به مسئله مهریه، تحلیلی جامع‌شناختی و واقع‌بینانه است؟

۴ نقد نگاه تک‌بعدی به ازدواج و ضرورت اصلاح نگرش‌های فرهنگی

• **دکتر شهلا باقری:** این تصور که تنها دلیل کاهش آمار ازدواج، مسئله مهریه یا چالش‌های مالی آن است، نگاهی کاملاً ساده‌انگارانه است. جاذبه عاطفی و نیاز طبیعی به تشکیل خانواده به قدری قوی است که تغییر در قوانین حقوقی به تنهایی نمی‌تواند مانع یا مشوق اصلی آن باشد.

مشکل اصلی ما، غفلت از زیرساخت‌های فرهنگی، آموزشی و نگرشی است. حاکمیت به جای تمرکز صرف بر وضع قوانین شکلی، باید بر اصلاح نظام انگیزشی و نگرش جوانان به مقوله ازدواج سرمایه‌گذاری کند. ازدواج در تراز اسلامی، بستر رشد، عبور از خودخواهی و ایثار مالی و عاطفی است. وقتی فرد هدف و معنای واقعی تشکیل خانواده را درک کند، تعهدات مالی را نه به عنوان یک بارگرا، بلکه به عنوان نمادی از مسئولیت‌پذیری و محبت می‌پذیرد.

۴ خلاءهای نظری در میزان مداخله حاکمیت در روابط خصوصی

• **دکتر شهلا باقری:** یکی از چالش‌های بنیادین در نظام سیاست‌گذاری ما، عدم شفافیت تئوریک در تعیین مرزهای مداخله حاکمیت است. از یک سو، مهریه یک توافق و هدیه کاملاً خصوصی و مبتنی بر علائق طرفین است و حاکمیت نباید حدود آن را شتاب‌زده محدود کند؛ از سوی دیگر، حاکمیت باید ضمانت‌های

اجرایی و دادورزی آن را به گونه‌ای تنظیم کند که مانع از سوءاستفاده یا فروپاشی خانواده شود.

دستکاری جزئی قوانین - از تبدیل حبس به پابند و بالعکس - بدون حل چالش‌های نظری و ساختاری در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی، صرفاً جابه‌جایی صورت مسئله است و مشکل را به صورت ریشه‌ای حل نخواهد کرد.

❖ تفکیک عوامل تعیین‌کننده و مرتبط در کاهش آمار ازدواج

• **سمیه سادات حسنی حلم:** آیا کاهش تمایل آقایان به ازدواج مستقیماً ناشی از مسئله مهریه است؟ و آیا در صورت آسان‌سازی حقوقی پرداخت مهریه برای آقایان، تمایل دختران به ازدواج دستخوش آسیب و بازدارندگی روانی نخواهد شد؟

• **دکتر شهلا باقری:** در علوم اجتماعی باید میان «عوامل تعیین‌کننده» و «عوامل مرتبط» تفکیک قائل شد. قانون یا مسئله مهریه علت تعیین‌کننده کاهش آمار ازدواج نیست، بلکه یک عامل مرتبط است. علت تعیین‌کننده، تغییر در سیستم انگیزشی و آسیب دیدن نگرش فرهنگی افراد به مقوله ازدواج است. تصویب قوانینی که صرفاً یک طرف معادله (آقایان) را مدنظر قرار می‌دهد و تضمین‌های حقوقی طرف دیگر (زنان) را تضعیف می‌کند، موازنه را برهم می‌زند. از سوی دیگر، اعمال ابزارهایی مانند پابند الکترونیکی برای مرد در قانون خانواده، نه تنها فضایی برای رشد معنوی و عاطفی زوجین باقی نمی‌گذارد، بلکه برچسب مجرمیت مداوم به فرد زده و بر رفتار و انگیزه او در محیط خانه و جامعه اثر مخرب می‌گذارد.

❖ تبعات روانی مصوبه جدید بر تمایل دختران به ازدواج

• **سمیه سادات حسنی حلم:** خانواده با اخلاق‌مداری قوام می‌یابد، اما قوانین، کف حمایتی حاکمیت از حقوق افراد است. وقتی دختری احساس کند در صورت بروز چالش‌های اخلاقی و رفتاری از سوی همسر، پشتوانه قانونی لازم را ندارد، انگیزه خود را برای پذیرش نقش همسری و مادری از دست می‌دهد. دکتر انسیه خزعلی: کاملاً درست است؛ ازدواج صلحی دوطرفه میان زن و مرد

است. اگر قانون تسهیلاتی یک طرفه برای مرد ایجاد کند و پشتیبانی حقوقی از زن را کاهش دهد، ازدواج افزایش نخواهد یافت. امروزه دختران جامعه ما توانمند و تحصیل کرده هستند؛ وقتی دختر احساس کند مرد تکیه‌گاه مالی نیست و حاکمیت نیز پشتیبانی‌هایش را تقلیل داده است، ترجیح می‌دهد به استقلال فردی و اشتغال روی آورد و زیر بار تعهد ازدواج نرود.

از سوی دیگر، عوامل متعددی مانند مشکلات اقتصادی، تغییرات جمعیتی، بالا رفتن سن ازدواج دهه شصتی‌ها و شیوع پدیده‌های مذمومی چون هم‌باشی‌های بدون تعهد (ازدواج سفید) در کاهش آمار ازدواج نقش دارند که همگی ریشه در فرهنگ خودمحوری غربی و فرار از مسئولیت‌پذیری دارند.

۴ تضعیف قوامیت و مسئولیت‌پذیری مرد با کاهش ضمانت‌های مالی

• **دکتر انسیه خزعلی:** ساختار خانواده اسلامی بر پایه مسئولیت‌پذیری مرد و ایثار متقابل است. اسلام ریاست و قوامیت خانواده را به مرد سپرده تا تکیه‌گاه مالی و امنیتی باشد. حتی رهبر معظم انقلاب بارها با شرط‌گذاری برخی آقایان برای شاغل بودن همسر در خواستگاری مخالفت کرده و تأکید فرموده‌اند که نباید بار اقتصادی بردوش زن انداخته شود.

کمرنگ کردن تعهدات مالی مرد (از جمله نفقه و مهریه)، عملاً مرد را از مسئولیت‌پذیری و نقش قوامیت دور می‌کند و کیان خانواده را از هویت اصیل خود جدا می‌سازد.

۴ اثر معکوس مصوبه جدید: طلاق‌های تعجیلی و تورم مهریه‌ها

• **دکتر انسیه خزعلی:** یکی از تبعات عملی و منفی ایجاد محدودیت‌های این‌چنینی، افزایش ناگهانی رقم مهریه‌ها و طلاق‌های سوءاستفاده‌گرانه است. تا پیش از این، سقف ۱۱۰ سکه به عنوان یک معیار حمایتی شناخته می‌شد. اما با تضعیف این پشتوانه در مصوبه جدید، دختران و خانواده‌ها با این منطق که «کی داده و کی گرفته»، به ثبت مهریه‌های بسیار سنگین‌تر (مثلاً ۱۰۰۰ سکه) روی می‌آورند.

از طرفی در همین چند ماه اخیر شاهد بوده‌ایم برخی مردان با سوءاستفاده از محدودیت‌های قانونی، با پرداخت حداقل سکه تعیین شده (مثلاً ۱۴ سکه)، زوجه را تحت فشار قرار داده و او را مجبور به ترک زندگی می‌کنند. باید این فرهنگ در جامعه جا بیفتد که مهریه یک **دین واقعی و تعهد قطعی** است که حتی پس از فوت زوج باید پیش از هر ترکه یا دینی ادا شود. پاک کردن صورت‌مسأله با کاهش سقف حمایتی، مشکل مهریه را حل نخواهد کرد.

۴ پیامدهای تعیین عددی سقف حمایت و تضعیف دیون ممتاز زن

• **سمیه سادات حسنی حلم:** در گذشته با محدود شدن ضمانت اجرای کیفری به ۱۱ سکه، اگرچه قانون‌گذار سقف عددی برای عقد تعیین نکرده بود، اما در فرهنگ عمومی جامعه این عدد به عنوان یک «معیار و پشتوانه مالی» جا افتاد و بسیاری از خانواده‌ها مهریه را بر همین اساس تنظیم کردند.

امروزه نگران این هستیم که تقلیل حمایت‌های قانونی به ۱۴ سکه، خانواده‌ها را به سمت مهریه‌های بسیار پایین فاقد پشتوانه سوق دهد. مهریه در واقعیت، صرفاً یک هدیه نیست؛ بلکه نقش «دیون ممتاز» را در هنگام فوت همسر یا جدایی ایفا می‌کند. وقتی زوجه تنها یک هشتم از اموال شوهر متوفی ارث می‌برد، مهریه عادلانه تنها ابزار تأمین معیشت او پس از ۳۰ یا ۴۰ سال قناعت و زندگی مشترک است.

• **دکتر شهلا باقری:** اساساً تعیین عدد ثابت برای مهریه در قانون اشتباه است؛ زیرا متغیرهای اقتصادی، نرخ تورم و زیست‌بوم‌های متنوع فرهنگی خانواده‌ها، امکان انطباق با یک عدد ثابت را نمی‌دهد. قانون‌گذار نمی‌تواند یک فرمول عددی یکسان برای همه صادر کند.

۴ تقلیل کارکرد مهریه به ابزار دفاعی در غیاب ساختارهای حمایتی

• **سمیه سادات حسنی حلم:** متأسفانه در واقعیت امروز جامعه، مهریه از حالت «پیش‌کش و هدیه» خارج شده و به ابزاری برای جبران عدم توازن حقوقی زنان (مانند حق طلاق، حق اشتغال و ناچیزی سهم ارث) تبدیل شده است. آیا می‌توان بدون ایجاد یک نظام مالی و حقوقی جدید برای خانواده، دست به تغییر قوانین مهریه زد؟

• **دکتر شهلا باقری:** خیر؛ این مشکل دقیقاً ناشی از غفلت از پیش ساخت‌های رفاهی، بیمه‌ای و اجتماعی است. زمانی که نظام تأمین اجتماعی جامع برای زنان وجود ندارد، سازوکار تقسیم اموال زوجین در طول زندگی مشترک شفاف نیست، حقوق شغلی زنان تضمین نشده و صندوق‌های بیمه مهریه شکل نگرفته‌اند، دستکاری تک‌بعدی قانون مهریه کارساز نخواهد بود.

حاکمیت می‌تواند با راه‌اندازی «صندوق بیمه مهریه» یا توسعه بیمه‌های حمایتی، بار مالی و مخاطرات حقوقی را از دوش خانواده‌ها بردارد و امنیت خاطر را برای طرفین ایجاد کند.

• **دکتر انسیه خزعلی:** حتی می‌توان گنجاندن تضمین‌های بیمه‌ای برای زن را به شرطی اساسی در اسناد رسمی عقد تبدیل کرد تا از آینده مالی زن پشتیبانی شود.

۴ ناامنی اقتصادی زنان؛ مانعی جدی در مسیر فرزندآوری و جوانی

جمعیت

• **سمیه سادات حسنی حلم:** یکی دیگر از آسیب‌های کلیدی این طرح، ضربه به سیاست‌های جوانی جمعیت است. در الگوی اسلامی، نیازی نیست همه زنان برای تأمین معیشت مجبور به اشتغال خارج از خانه باشند. اما وقتی مصوبات جدید، امنیت و پشتیبانی مالی زوجه را تضعیف می‌کند، زن ناخودآگاه مجبور می‌شود به سمت اشتغال و استقلال مالی حرکت کند و در نتیجه تمایل به فرزندآوری کاهش می‌یابد.

• **دکتر انسیه خزعلی:** این مصوبه مستقیماً به سیاست‌های جمعیتی کشور لطمه می‌زند. علت اینکه اسلام حقوق مالی گوناگونی - از نفقه و مهریه گرفته تا حتی حق شیردهی (اجرت‌المثل) - برای زن قرار داده، این است که زن با فراغ بال و آرامش خاطر اقتصادی، به تربیت فرزندان و تحکیم کانون خانواده بپردازد.

وقتی این پشته‌ها را یکی پس از دیگری تضعیف کنیم، زن احساس ناامنی کرده و برای تأمین آینده خود، مسیر اشتغال تمام وقت و استقلال فردی را انتخاب می‌کند؛ روندی که منطقاً مانعی بزرگ برای فرزندآوری و ایفای نقش مادری خواهد بود.

۴ ماده مربوط به بذل کامل حقوق مالی و تباهی شأن زن در سایه اضطرار اقتصادی

• **سمیه سادات حسنی حلم:** هیچ کس مخالف اشتغال زن نیست، اما صحبت بر سر «اشتغال اجباری» از سر ناچاری و اضطرار اقتصادی است. در شرایط دشوار کنونی، اگرچه مردان نیز تحت فشارند، اما یک مرد می‌تواند به کارهای یدی یا کارگری روی آورد؛ اما آیا شأن و عزت یک زن مسلمان ایرانی این است که برای تامین حداقل معاش خود و فرزندانش مجبور به پذیرش شغل‌های نامناسب و منافی کرامتش شود؟

• **دکتر شهلا باقری:** این انزوا و اضطرار، به‌ویژه در ماده مربوط به «بذل کامل حقوق مالی زن برای طلاق» تشدید شده است. قانون‌گذار شرط کرده زن پس از یک سال جدایی و با بذل تمام حقوق مالی (مهریه، نفقه و...) درخواست طلاق دهد؛ اما شفاف نکرده‌زنی که تحت خشونت خانگی است چگونه باید این وضعیت را اثبات کند؟ این ماده عملاً زنانی را که در معرض آسیب و خشونت هستند مجبور می‌کند برای آزادی خود «باج مالی» بدهند و تمام دارایی‌شان را ببخشند.

۴ ایرادات حقوقی و ساختاری در تغییر مفهوم حبس و استثناکردن مهریه

• **دکتر انسیه خزعلی:** در تبصره‌های مصوبه جدید چند ایراد حقوقی و ناهمخوانی بارز به چشم می‌خورد:

۱- **تغییر نادرست تعریف حبس:** در تبصره ۳، مفهوم «حبس» را اعم از نگهداری در زندان یا نظارت با سامانه الکترونیکی (پابند) دانسته‌اند. حبس ماهیت مشخصی دارد و استفاده از فناوری باید «جایگزین حبس» نامیده شود، نه خود حبس.

۲- **سلب اختیار قاضی:** قانون‌گذار در تمامی دیون غیرعمد، مجازات را صرفاً به پابند محدود کرده است؛ در حالی که باید دست قاضی باز باشد تا اگر در موردی احساس خطر برای زوجه یا شرایط ویژه‌ای دید، حکم حبس صادر کند.

«۳- تبعیض میان مهریه و سایر دیون: چرا محدودیت ضمانت اجرایی (مثلاً سقف ۱۴ سکه) فقط برای مهریه اعمال شده است؟ اگر فردی ۱۰۰ میلیارد تومان بدهی مالی غیر عمد داشته باشد، همچنان از طرق حقوقی پیگیری می‌شود، اما مهریه زن از سایر دیون ممتاز استثنا شده و تضعیف می‌شود.

۴ شروط تعسفی طلاق، رواج فساد و مغایرت صریح با نص قرآن

• سمیه سادات حسنی‌حلم: بیش از ۸۰ درصد از زنان جامعه ما خانه‌دار هستند. زنی که شاغل نیست و در این طرح مجبور می‌شود تمام حقوق مالی خود را ببخشد تا طلاق بگیرد، در آن یک سال جذازیستن و پس از آن، چگونه و از چه طریقی باید زندگی خود را اداره کند؟
دکتر انسیه خزعلی: این ماده علاوه بر ایجاد مفاسد اجتماعی متعدد، مغایرت صریح با آیات قرآن کریم دارد:

«مغایرت با آیه اول سوره طلاق: قرآن کریم به صراحت می‌فرماید: «لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ» (زنان را در دوران عده از خانه‌هایشان بیرون نکنید). خانه حق زن است، اما این مصوبه زن را تشویق و بلکه مجبور می‌کند که برای کسب حق طلاق، یک سال خانه را ترک کند؛ بدون اینکه مشخص باشد در این یک سال کجا و با چه امنیتی باید زندگی کند.

«غفلت از مستثنیات دین برای زن: همان‌طور که برای مرد در پرداخت بدهی «مستثنیات دین» (مانند مسکن و ابزار کار اولیه) در نظر گرفته می‌شود، چرا برای زن حداقل امکانات مسکن و معیشت پیش‌بینی نشده تا ناچار نشود «همه حقوقش» را ببخشد؟

«جایگزین‌های شرعی رهاشده: فقه اسلامی ظرفیت کارآمدی به نام «طلاق خلع» دارد که با شرایط مشخص خود می‌تواند مشکل زوجین را حل کند، نیازی به وضع شروط سخت‌گیرانه و غیرقرآنی جدید نبود.

❖ نقد اعطای صوری «حق طلاق» در ازای اسقاط کامل حقوق مالی

• **سمیه سادات حسنی حلم:** یکی از مباحث جنجالی این طرح، ماده‌ای است که طراحان آن مدعی‌اند در قالب آن به زنان «حق طلاق» داده‌اند. حتی نایب رئیس کمیسیون قضایی انتظار داشت جامعه زنان بابت این ماده از آن‌ها تقدیر کنند! در رویه قضایی فعلی نیز گاهی زنان برای اثبات عسر و حرج یا توافق برای طلاق، مهریه خود را می‌بخشند؛ اما آیا تبدیل این رویه به یک قانون عام و شرط کردن طلاق به یک سال جدایی و بذل تمام حقوق مالی، به نفع خانواده یا زنان است؟

• **دکتر شهلا باقری:** این ادعا که به زنان حق طلاق داده شده، کاملاً غیرواقعی است. قانون‌گذار در ظاهر حقی را اعطا کرده، اما در عمل تمام حقوق مسلم مالی و معیشتی زن را سلب می‌کند. این ماده نه تنها به نفع زنان نیست، بلکه آسیب‌های اجتماعی بسیار مخربی به همراه دارد.



خانم دکتر شهلا باقری؛ جامعه‌شناس و استاد تمام دانشگاه خوارزمی

شاید این راهکار برای درصد اندکی از پرونده‌های طلاق که سال‌ها (مثلاً ۷ یا ۱۰ سال) بلامتکلیف مانده‌اند، به عنوان یک راه خروج اضطراری کارآمد باشد، اما «عمومی‌سازی» آن برای همه پرونده‌ها فاجعه‌بار است.

۴ پیامدهای اجتماعی رهاشدگی زنان: فقدان مسکن، فقر و انحرافات

• **سمیه سادات حسنی حلم:** زنی که مهارت شغلی نیاموخته، حق اشتغال نداشته و تمام عمرش را صرف خانواده کرده است، اگر بدون هیچ پشتوانه مالی و مسکن رها شود، چه عاقبتی در انتظار اوست؟

• **دکتر شهلا باقری:** مشکل اصلی همین جاست. آیا ضریب پوشش حمایتی برای زنان ما به حدی است که همه آن‌ها بتوانند یک سال کامل، مستقل زندگی کنند؟ آیا همه خانه پدري برای بازگشت دارند؟ اگر ندارند، در این یک سال کجا باید زندگی کنند؟

قانون‌گذار با این مصوبه، زمینه پدیده‌های تلخی چون زنان کارتن خواب، فقر و کشیده شدن به سمت انحرافات و فساد را فراهم می‌کند. چه کسی پاسخگوی این آسیب‌های اجتماعی خواهد بود؟ علاوه بر این، بلاتکلیفی یک ساله و جدایی فیزیکی بدون طلاق رسمی، خطر انحرافات اخلاقی و خیانت را در جامعه افزایش می‌دهد.

۴ غیبت «پیوست خانواده‌محور»: یکسان‌انگاری نوعروس با زن باسابقه

• **سمیه سادات حسنی حلم:** یکی از بزرگ‌ترین نقایص این قانون، بی‌توجهی به سابقه زندگی مشترک است. قانون بین دختری که در دوران عقد است و زنی که ۳۰ تا ۵۰ سال عمر خود را صرف همسررداری و تربیت فرزندان کرده، تفاوتی قائل نشده است. بخشش مهریه برای نوعروسی که همسرش هنوز از او منفعتی نبرده قابل درک‌تر است، اما این قانون هیچ تدبیری برای زنان باسابقه و مادران چند فرزند نیاندیشیده است.

• **دکتر شهلا باقری:** این دقیقاً همان چیزی است که به آن «فقدان پیوست خانواده‌محور» می‌گوییم. وقتی قانون‌گذار پیوست‌های اجتماعی را نمی‌بیند، قانونی وضع می‌کند که تفاوت‌ها را نادیده می‌گیرد. حداقل انتظار این بود که قانون برای زنی که ۲۰ سال زندگی کرده است، شروطی مانند پرداخت اجرت‌المثل

یا الزام به بخشش تنها نیمی از مهریه را در نظر بگیرد تا تأمین جانی و مالی او به خطر نیفتد.

وقتی ما پیش ساخت‌هایی مانند «نظام اشتغال متناسب با زنان» و «بیمه‌های حمایتی» را فراهم نکرده‌ایم و اساساً قرار نبوده زنان را به اجبار وارد بازار کار کنیم، این‌گونه رها کردن آن‌ها در قانون طلاق، بی‌عدالتی محض است و نشان می‌دهد پیوست‌های رفاهی هرگز دیده نشده‌اند.

چالش عدم تخصص قانون‌گذاران: ماجرای عجیب اشتباه در مفهوم «حق حبس»

• **دکتر انسیه خزعلی:** برای درک عمق مشکلاتی که در تصویب این طرح وجود داشته، اشاره به یک اتفاق تلخ ضروری است. در گفتگو با برخی نمایندگان مجلس، متوجه شدم که برخی از آن‌ها اساساً مفهوم فقهی-حقوقی «حق حبس زوجه» را با «حبس کردن و به زندان انداختن مرد» اشتباه گرفته بودند! یعنی نماینده تصور می‌کرده حق حبس به این معناست که زن می‌تواند شوهرش را زندانی کند!

• **سمیه سادات حسنی‌حلم:** ریشه اصلی مشکلات همین‌جا است. وقتی اکثریت نمایندگان کمیسیون‌ها یا صحن علنی تخصص حقوقی ندارند، طبیعی است که در مفاهیم تخصصی دچار سوءتفاهم شوند.

به همین دلیل است که اصرار داریم در طرح‌های حساس مربوط به خانواده، قانون‌گذار باید زمان کافی اختصاص دهد، از مشاوران ذی‌صلاح بهره‌برد و به نخبگان اجازه دهد تا پیش از تصویب شتاب‌زده، ابعاد مختلف قانون را تشریح و نمایندگان را اقناع کنند. رأی دادن بدون اشراف به موضوع، نتیجه‌ای جز این خروجی‌های پراسیب نخواهد داشت.

• **دکتر انسیه خزعلی:** حق حبس یکی از زیبایی‌ها و ضمانت‌های برجسته فقه اسلامی برای احقاق حقوق زن است. بر اساس فتوای مشهور فقها (از جمله علامه حلی)، زن حق دارد تا زمان دریافت کامل مهریه، از تمکین (اعم از عام و خاص) خودداری کند و حتی اعسار شوهر نیز این حق را ساقط نمی‌کند. شهید رئیسی نیز بر شمول حق حبس بر مقدمات تمکین تأکید داشتند.

اما قانون‌گذار در مصوبه جدید، حق حبس را صرفاً به «تمکین خاص» محدود کرده که مغایر با فتاوی اکثر علماست. این روند، گام به گام به معنای تضعیف حقوق شرعی زنان است.

• **سمیه سادات حسنی حلم:** کارکرد عملی حق حبس بیشتر در دوران عقد و پیش از شروع زندگی مشترک است؛ زمانی که دختر دوشیزه متوجه عدم تفاهم می‌شود و به دلیل محدودیت دلایل محکمه‌پسند برای طلاق، از این ابزار برای آوردن مرد به پای میز مذاکره و توافق استفاده می‌کند. تقلیل این حق شرعی، تنها راهکار حقوقی زنان در این شرایط را مسدود می‌سازد.

۴ سوءاستفاده اقلیت و غفلت از ناامنی حقوقی اکثریت زنان

• **سمیه سادات حسنی حلم:** نباید سوءاستفاده احتمالی درصد بسیار ناچیزی از زنان را انکار کرد، اما آیا عقلانی است برای دادخواست‌های محدود چند هزار نفری، قانونی وضع شود که حقوق میلیون‌ها زن را تحت تأثیر قرار دهد؟ اکثر زنانی که مهریه خود را به اجرامی گذارند، هدف مالی ندارند؛ بلکه از مهریه به عنوان ابزاری برای الزام شوهر به مراجعه به مشاوره، بازگرداندن او به زندگی، یا خروج از بلاتکلیفی و طلاق استفاده می‌کنند.

• **دکتر شهلا باقری:** راهکار اصلی، اصلاح عبارات قانونی به همان فرمول فقهی «امتناع از وظایف» (به جای انحصار به تمکین خاص)، آگاهی بخشی به آقایان و تقویت نظام تأمین اجتماعی و صندوق‌های بیمه‌ای است، تا ضریب امنیت روانی و اقتصادی زنان بالا برود و دغدغه رهاشدگی نداشته باشند.

۴ فقدان نگاه جامع، حکمت قانونی و پیوست‌های بالادستی

• **سمیه سادات حسنی حلم:** آیا در این مصوبه ۶ ماده‌ای، هیچ نقطه مثبتی برای استحکام خانواده و دفاع از حقوق زنان دیده می‌شود؟

• **دکتر انسیه خزعلی:** اهدافی مانند حبس‌زدایی و سامان‌دهی مهریه‌ها در ظاهر خوب است، اما شیوه اجرای آن (مانند آوردن پابند الکترونیکی به محیط خانه) کانون خانواده را فرو می‌ریزد. پشت هر قانون باید «حکمت» و «قابلیت

عملیاتی» باشد. طبق اصل قرآنی «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْنَهُنَّ»، نمی‌توان یک بخش از منظومه مالی خانواده را اصلاح کرد و باقی اجزا را ندید. این قانون مصداق «خواست ابرویش را درست کند، چشمش را هم کور کرد» است.

• **دکتر شهلا باقری:** این مصوبه با اسناد بالادستی، به‌ویژه «سیاست‌های کلی خانواده» ابلاغی مقام معظم رهبری که بر خانواده محوری تأکید دارد، ناهمخوان است. طرحی که پیوست‌های فرهنگی، اجتماعی و پژوهشی نداشته باشد، نه تنها هدف حبس زدایی را محقق نمی‌کند، بلکه آسیب‌های به‌مراتب خطرناک‌تری به بار می‌آورد. کمیسیون‌های فرهنگی و اجتماعی مجلس نیز باید به جای واگذاری صرف موضوع به کمیسیون قضایی، وارد میدان شوند.

❖ تناقض در سرعت تصویب طرح‌ها و بی‌توجهی به لایحه منع خشونت علیه زنان

• **سمیه سادات حسنی حلم:** جای شگفتی و تأسف است که چرا لایحه «ارتقای امنیت و منع خشونت علیه زنان» با وجود تأکیدات صریح مقام معظم رهبری و فرمایشات شهید رئیسی مبنی بر جلوگیری از ظلم به زنان در خانه، سال‌ها میان دولت و مجلس معطل می‌ماند، اما طرح‌هایی مانند محدودسازی مهریه که با مخالفت دلسوزان نهاد خانواده مواجه است، با این سرعت در دستور کار قرار می‌گیرد.

سرمایه اجتماعی عظیم زنان و بانوان خانه‌دار، تکه‌گاه اصلی انسجام جامعه است. مسئولان و تصمیم‌گیران باید هوشیار باشند تا با شتاب زدگی در وضع چنین قوانین غیرجامعی، به این سرمایه ارزشمند آسیب نزنند.



ابعاد جامعه‌شناختی، فقهی و حقوقی مصوبه اخیر
مجلس شورای اسلامی در خصوص نحوه اجرای
محکومیت‌های مالی و مسئله مهریه و فرآیند
تصویب این طرح، بررسی تبعات و تأثیر آن را بر
کانون خانواده ضروری می‌سازد.

کارشناسان تأکید دارند که اصلاح قوانین خانواده
مستلزم نگاهی کل‌نگر، رعایت اصل خانواده‌محوری،
ایجاد سامانه‌های شفاف اموال و توسعه زیرساخت‌هایی
مانند بیمه مهریه است.

مرکز
مطالعات
راهبردی
تسنیم

تسنیم
خبرگزاری
Tasnim
News Agency